

بررسی تأثیرات ترور شهید قاسم سلیمانی بر مسائل و تحولات منطقه‌ای

میثم قلی‌پور*

چکیده

نقش شهید قاسم سلیمانی در پیروزی‌های جبهه مقاومت در مقابله و نبرد با استکبار جهانی، صهیونیسم بین‌المللی و ارتجاع منطقه نقشی اثرگذار و بی‌بدیل بود. مجاهدت‌های شهید سلیمانی و هم‌زمانش موجب شد خلافت خودخوانده داعش در عراق و سوریه از بین رفته و تأثیرگذاری آمریکا و دیگر کشورهای غربی در منطقه کم‌رنگ و ضعیف شود. ترور ناجوانمردانه شهید سلیمانی بر مسائل و تحولات جهانی، به‌ویژه مسائل و تحولات غرب آسیا تأثیراتی گذاشته است. تحقیق حاضر با روش استنادی و با استفاده از جستجوی اینترنتی و سایر منابع مرتبط، درصدد پاسخ به این سؤال است: «از زمان شهادت سلیمانی چه تغییرات و تحولاتی در مناسبات منطقه‌ای به وجود آمده و تحلیل‌گران و صاحب‌نظران داخلی و خارجی در این خصوص چه دیدگاهی دارند؟»

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شهید سلیمانی نه تنها به‌عنوان یک مقام عالی‌رتبه نظامی و فرمانده‌ای استراتژیک، بلکه در قامت دیپلماتی زیرک و راهبردی‌نگر، در پیشبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفای نقش کرده و تحولات منطقه را تا سطح بازگشت‌ناپذیر، به سود جبهه مقاومت و به زیان مثلث غربی، عربی و غربی تغییر داده است.

واژگان کلیدی: تأثیرات، ترور، شهید قاسم سلیمانی، مسائل منطقه‌ای، تحلیل‌گران.

*. کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه گیلان؛ meysam.ghlpr110@gmail.com

سیر تحولات روابط ایران و آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بررسی دکترین‌های سیاست خارجی رؤسای جمهور آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران حاکی از رویارویی و تقابل بین دو کشور در هر دو سطح تعارضات ماهوی و اختلافات در اصول رفتاری دارد. دامنه این تعارضات با روی کار آمدن رؤسای دموکرات از کاهش نسبی برخوردار می‌گشت. به‌عنوان مثال با روی کار آمدن باراک اوباما و انعقاد برجام، به نظر می‌رسید، فصل نوینی در روابط دو کشور گشوده گردد (ر.ک: علیشاهی و فروزان، ۲۰۱۹م، ص ۸۵-۱۱۲)؛ به همین دلیل، پس از اجرای تعهدات دو طرف بر اساس برجام، تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای ایران در تاریخ ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۴ در پی گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر پایبندی ایران به تعهداتش لغو شد. از این دوران که با پایان یافتن تحریم‌های ضد ایرانی آغاز شده است، عموماً با عنوان پس‌ابرجام یا پس‌تحریم یاد می‌شود (سلیمانزاده، امیدی و یزدانی، ۲۰۱۸م، ص ۹۶). هرچند که در عمل چنین امری رخ نداد و با کارشکنی آمریکا و اروپایی‌ها عملاً این ایران بود که به تعهدات خود کامل عمل نموده بود و بسیاری از تحریم‌های هسته‌ای به بهانه‌های دیگر از جمله مسائل حقوق بشر، حمایت از تروریسم دوباره وضع گردید. به‌رغم وقوع توافق‌های اولیه هسته‌ای واقعیت این است که مسئله ایران‌هراسی که‌ماکان به قوت خود باقی است. به دیگر سخن، با توجه به سابقه قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه، به‌ویژه در قبال همسایگان جنوبی خود و نیز جنجال‌های ایالات‌متحده با تأکید بر جنگ رسانه‌ای و تبلیغات وسیع بین‌المللی و نیز نظم بین‌المللی حاکم، مجموعه‌ای از دلایلی است که خطر ایران هسته‌ای را همواره ملموس نموده است (ر.ک: مهدی‌زاده و میرحسینی، ۲۰۱۷م). با روی کار آمدن دونالد جی. ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات‌متحده در سال ۲۰۱۶م، وی تا حد زیادی رویکردهای نومحافظه‌کاران را طراحی و اجرا نمود. ترامپ بر این باور بود که نتایج مداخله آمریکا در منطقه غرب آسیا در سال‌های اخیر به‌هیچ‌عنوان مناسب نبوده است. زمانی که او به نقد عملکرد آمریکا در این منطقه می‌پردازد، بخش عمده‌ای از دیدگاه‌های او جنبه اقتصادی دارد. او همواره این سؤال را مطرح می‌کرد که آمریکا با میلیاردها دلار هزینه در عراق و



افغانستان چه منفعتی به دست آورده است؟ از طرفی وی با فاجعه قلمداد کردن برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام، ایالات متحده را بزرگ‌ترین بازنده این قرارداد تلقی کرد و این مسئله را فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت تا با سهولت بیشتری به اقدامات ماجراجویانه خود در منطقه و حمایت از شبه‌نظامیانی همچون حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، انصارالله یمن و دیگر نیروهای شیعی منطقه مبادرت نماید (فروزان و علیشاهی، ۲۰۱۹م، ص ۱۴۰). از طرفی دیگر، اصولاً پس از وقوع انقلاب اسلامی، فلسفه وجودی سپاه که حراست از دستاوردها، ارزش‌ها و دفاع از بنیان‌های انقلاب اسلامی ایران بوده است (اصل ۱۵۰ قانون جمهوری اسلامی ایران). از یک‌سوء، نقش برجسته سپاه در خلال جنگ تحمیلی و از دیگر سوء، بنا به دلایلی همچون تحریم جمهوری اسلامی ایران، ساختار سپاه را به سمت‌وسوی استقلال در تولیدات نظامی، فناوری، مهندسی و دیگر زمینه‌های موردنیاز داخلی سوق داد و از سویی دیگر، بنابر هدف مهم سپاه یعنی حراست از ارزش‌های انقلاب و حمایت از گروه‌های شیعی منطقه، جایگاه این نهاد را بیش‌ازپیش مهم نمود. این مسئله پس از بیداری اسلامی و سقوط بسیاری از دیکتاتورهای منطقه همچون مبارک، بن علی، منصور هادی و پیش‌تر صدام حسین، بسیار ملموس‌تر گردید، به‌گونه‌ای که نفوذ نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جوامع شیعی و حتی غیرشیعی منطقه به صورت چشمگیری توسعه یافت، به‌نحوی که خطر تروریسم تکفیری داعش در مرزهای سوریه و عراق با حمایت‌های نظامی و لجستیک سپاه تا حد بسیار زیادی دفع گردید. از طرفی، وحدت استراتژیک نظامیان سپاه پاسداران به‌ویژه نیروی قدس با نیروهای شیعی منطقه، علاوه بر ایجاد شبه‌نظامیانی همچون حشدالشعبی در عراق، به حمایت از نیروهای مقاومت منطقه همچون انصارالله یمن، شبه‌نظامیان شیعی با عنوان فاطمیون و توسعه هرچه بیشتر روابط با حزب‌الله لبنان منتهی گردید (ر.ک: زاراته، ۲۰۱۳م، ۳۰۱-۳۰۲). در چنین شرایطی، ایالات متحده به همراه متحدان استراتژیک خود همچون عربستان سعودی و اسرائیل، منطقه غرب آسیا را به صورت ملموسی جایگاه جولان نیروی سپاه پاسداران قلمداد کرده و در یک تصمیم بحث‌برانگیز، سپاه انقلاب اسلامی را ذیل گروه‌های تروریستی بین‌المللی قرار دادند و دامنه چالش‌ها و تهدیدات علیه سپاه به‌ویژه

نیروی قدس را افزایش داده و در نهایت نیز در سوم ژوئن ۲۰۲۰م (۱۳ دی ماه ۱۳۹۸) در یک حمله تروریستی، سرلشگر قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به همراه ابومهدی المهندس در فرودگاه بغداد، به شهادت رساندند.

شهادت ایشان پیامدهای مهمی در سطح ایران، مسائل داخلی آمریکا، روابط متقابل ایران و آمریکا و معادلات منطقه‌ای داشته است که در این نوشتار سعی می‌شود با استفاده از روش استنادی به مکتوبات و رسانه‌های مجازی به این پرسش پاسخ داده شود که از زمان شهادت شهید قاسم سلیمانی تا اکنون چه پیامدهایی در معادلات منطقه‌ای به وجود آمده و تحلیل‌گران و صاحب‌نظران داخلی و خارجی در این خصوص چه دیدگاهی دارند؟ البته باید اذعان نمود که از همان ساعات اولیه این واقعه شاهد تأثیرات بسیاری در منطقه بودیم. از آماده‌باش کامل نیروهای آمریکایی و رژیم اشغالگر قدس در منطقه گرفته تا دست‌پاچگی برخی سران عرب منطقه که جهت میانجی‌گری و عدم واکنش جمهوری اسلامی به ایران سفر نمودند.

پیشینه پژوهش

برخی از آثاری که به بررسی این ترور سردار شهید قاسم سلیمانی از منظر حقوقی پرداخته‌اند عبارتند از:

۱. بهاء‌الدین علیاری تبریزی در مقاله‌ای با عنوان (قتل هدفمند در آیین اصول و مبانی حقوق بین‌الملل - با تأکید بر قتل‌های هدفمند رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده آمریکا به‌ویژه قتل هدفمند سپهبد شهید قاسم سلیمانی) این سؤال اصلی را مطرح می‌کند که قتل هدفمند، بالأخص قتل هدفمند سپهبد شهید قاسم سلیمانی چه جایگاهی در اصول و مبانی حقوق بین‌الملل داشته و تبعات انسانی و بین‌المللی آن چیست؟ ایشان با استناد به جایگاه قتل هدفمند در دکترین، اصول و قواعد حقوق بین‌الملل و رویکرد و دلایل رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده آمریکا در خصوص انجام آن با محوریت بررسی ترور هدفمند شهید قاسم سلیمانی نتیجه می‌گیرد که ضروری است کشورهای عضو ملل متحد، برای مقابله با اقدامات خلاف حقوق بین‌الملل ایالات متحده و رژیم اشغالگر قدس در خصوص قتل هدفمند، به ثبت اعتراض خویش در دبیرخانه ملل متحد اقدام کنند تا به‌مرورزمان، این

اعمال فراقانونی به رویه‌ای عرفی در نظام حقوق بین‌الملل تبدیل نشده و اساس امنیت بین‌المللی را با چالش مواجه نکند.

۲. یونس فروزان و عبدالرضا عالیشاهی در مقاله‌ای با عنوان (تشدید تقابل‌گرایی ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران در پساناآرامی‌های غرب آسیا؛ پیامدهای ترور سرلشگر قاسم سلیمانی)، این سؤال اصلی را مطرح می‌کنند که علت ترور سرلشگر سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی ترامپ چه بوده است؟ و چه پیامدهای احتمالی را برای آینده امنیت منطقه غرب آسیا می‌توان تصور نمود؟ فرضیه اصلی مقاله که مبتنی بر تئوری مدل سیکی بحران مایلس هاگ است، دلالت بر این مسئله دارد که عقبه تاریخی این بحران، گذشته از خصومت‌های تاریخی بعد از انقلاب اسلامی، به دوران انعقاد قرارداد برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام برمی‌گردد و مرحله تکوین این بحران، به شکل‌گیری و قوام روزافزون جبهه مقاومت شیعیان در دوران ظهور داعش و پساداعش و اعمال تحریم‌های اقتصادی سنگین آمریکا علیه مسئولان سپاه در منطقه مربوط می‌گردد. در مرحله تقابل نیز به چالش‌ها و تهدیدات نظامی مستقیم و غیرمستقیم دو کشور علیه یکدیگر و همچنین قرار دادن سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی بین‌المللی اشاره شده و در مرحله وساطت و میانجی‌گری به فعالیت‌های میانجی‌گری ژاپن اشاره می‌شود و در نهایت نتیجه می‌گیرند که ناکامی‌های ترامپ در اقتناع جمهوری اسلامی به انعقاد قراردادی جدید و نیاز به یک دستاورد مهم برای موفقیت در انتخابات پیش و روی این کشور، علت مبادرت به ترور سردار سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

۳. سید عبدالله رضوی و محمد نصرافهانی در مقاله‌ای با عنوان (تنش‌های سیاسی غرب آسیا و بازار جهانی نفت - مطالعه موردی: ترور سردار سپهبد قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس) با فرض اینکه آمریکا با ترور رهبران مقاومت اسلامی در عراق به دنبال بی‌ثبات‌سازی کشورهای غرب آسیا به‌ویژه عراق و به تبع آن ایجاد ناامنی در تأسیسات نفتی و تصاحب سهم بازار این کشور و مقابله بانفوذ فزاینده ایران بوده، معتقدند که اقدام تروریستی آمریکا در راستای منافع و به‌ویژه تحقق برنامه انرژی آن در منطقه غرب آسیا

جهت گسترش تولید نفت و تبدیل شدن به یک صادرکننده خالص نفت در بازارهای بین‌المللی تا سال ۲۰۲۱ و حذف برخی از بازارهای نفت خام نظیر ایران، ونزوئلا و عراق بوده است. بدین منظور آمریکا در تلاش است با ایجاد بی‌ثباتی در منطقه، اقدام به ناامن‌سازی تأسیسات نفتی و تصاحب بازار کشورهای صادرکننده نفت غرب آسیا نماید. ترور رهبران مقاومت اسلامی هیچ‌گونه اختلال کوتاه‌مدتی بر روی عرضه و تقاضای نفت نداشته اما آثار این واقعه بر بازار نفت از طریق عوامل بنیادین در بلندمدت آشکار می‌گردد.

ادبیات نظری

الف) تروریسم

تروریسم در لغت به معنای ترساندن، ایجاد ترس، و وحشت در مردم و حکومت ارباب و تهدید است. واژه ترور (Terror) برگرفته از واژه لاتین (Terreur) بوده که به معنای نظام یا رژیم وحشت است. کلیدواژه ترور هم این‌گونه تعریف شده است: ایجاد هراس در توده مردم یا گروهی از مردم به منظور در هم شکستن مقاومتشان؛ برقراری نظام یا فرایند سیاسی بر پایه این ترس، از طریق به‌کارگیری اقدامات حاد و خشونت‌بار (شاهعلی و موحدیان، ۲۰۱۲، ص ۲۷).

اصولاً تفاوت عمده تروریسم دولتی و تروریسم غیردولتی در مجری‌گری آن است؛ بدین معنی که مجری و طراح اعمال تروریستی غیردولتی افراد، گروه‌ها احزاب‌اند و مجری و طراح اعمال تروریستی دولتی، یک دولت یا چند دولت خاص هستند. در تروریسم دولتی به صورت مستقیم؛ خود دولت اعمال تروریستی را علیه دولت دیگر انجام می‌دهد (اوست، ۲۰۱۰، ص ۲۶۵)؛ مثلاً ترور سرلشگر سلیمانی در عراق از نوع تروریسم مستقیم است اما در تروریسم به صورت غیرمستقیم، دولت‌ها به وسیله فرستادن کمک‌های مادی مانند: اسلحه، مهمات و وسایل پیشرفته نظامی در اختیار گروه‌های مخالف دولت، این‌گونه ترورها را مرتکب می‌شوند (برسامیان، ۲۰۰۱، ص ۶۹). ایالات متحده در تروریسم غیرمستقیم با تجهیز نظامی و ژئوپلیتیکی گروهک تروریستی تکفیری داعش، نقش مهمی در ایجاد ناآرامی‌ها در منطقه غرب آسیا داشته است.

ب) محور مقاومت

محور مقاومت اصطلاحی سیاسی است که نخستین بار توسط روزنامه لیبیایی (به عربی: الزحف الأخضر (در مقابل اصطلاح محور شرارت که توسط جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۲م مطرح گردید، عنوان شد و در آن ذکر شده بود که کشورهایی که رئیس‌جمهور آمریکا از آنها با عنوان «محور شرارت» نام می‌برد، در اصل کشورهای «محور مقاومت» در مقابل ایالات متحده آمریکا و تلاش آن برای سلطه‌گری بر سایر کشورها محسوب می‌شوند. در تعریف گفتمانی از محور مقاومت، گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌ها است که در یک فرآیند، مفصل‌بندی نظام معنایی خاصی را شکل می‌دهند. نشانه‌هایی که در گفتمان مقاومت مفصل‌بندی می‌شوند را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ یک بخش نفی یا سلبی است و بخش دیگر اثباتی و ایجابی. در مرکز بعد سلبی گفتمان مقاومت، سلطه‌ستیزی قرار دارد؛ یعنی مهم‌ترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه‌ستیزی است و دوم، نفی استکبار و استبدادستیزی است؛ اما مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت که در مرکز این گفتمان قرار دارد، عبارت است از عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی و اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی و آرمان‌گرایی و واقع‌بینی (کریمی، ۱۳۹۶).

ج) غرب آسیا

«البته من اصرار دارم این منطقه را «غرب آسیا» بگویم، نه خاورمیانه. تعبیر خاور دور، خاور نزدیک، خاورمیانه درست نیست. دور از کجا؟ از اروپا. نزدیک به کجا؟ به اروپا؛ یعنی مرکز دنیا اروپاست؛ هرجایی که از اروپا دورتر است، اسمش خاور دور است؛ هر جا نزدیک‌تر است، خاور نزدیک است؛ هر جا وسط است، خاورمیانه است. این تعریفی است که خود اروپائی‌ها کردند؛ نه، ما این را قبول نداریم. آسیا یک قاره‌ای است؛ شرقی دارد، غربی دارد، وسطی دارد؛ ما در غرب آسیا قرار داریم. بنابراین منطقه ما اسمش منطقه غرب آسیاست، نه منطقه خاورمیانه» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۰۵/۲۲). آسیای غربی یا باختر آسیا منطقه‌ای در آسیا است که با جنوب خاور اروپا و شمال خاور آفریقا همسایه است. ایران هم به لحاظ این تقسیمات در آسیای غربی واقع شده است. خاورمیانه و غرب آسیا هم‌پوشانی زیادی دارند، اما غرب آسیا شامل کشورهای قفقاز جنوبی مانند جمهوری



آذربایجان و ارمنستان و گرجستان نیز می‌شود. در این نوشتار با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب و اینکه خود شهید قاسم سلیمانی نیز در بیانات خود از واژه غرب آسیا استفاده نموده است؛ ما نیز بجای خاورمیانه از این واژه استفاده خواهیم نمود.

د) سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی

زندگی‌نامه

قاسم سلیمانی روستازاده‌ای بود که در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده کارگری در روستای قنات ملک استان کرمان چشم به جهان گشود. سادگی و سخت‌کوشی زندگی روستایی و از طرفی تقدیر خداوند متعال بر این تعلق گرفت که استعدادهای ذاتی این جوان به سرعت شکوفا و نمایان گردد. شکل‌گیری تفکرات مبارزاتی قاسم با حضور و ساماندهی تجمعات و تظاهرات پیش از انقلاب شروع و با پیوستن به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۹ ابعاد تازه‌ای یافت. تجربیات ورزشی و خصوصیات اخلاقی خوب به سرعت باعث پیشرفت او گردید. حالا دیگر او به چهره‌ای شناخته‌شده در بین فرماندهان ارشد نظامی و هم‌زمان خود تبدیل شده بود که برای کارزارهای سخت و تأثیرگذار انتخاب می‌گردید. دفاع مقدس به پایان رسید و قاسم سلیمانی در کسوت فرمانده ۴۱ لشکر ثارالله مأمور مبارزه با اشراق، گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان مواد مخدر در شرق کشور گردید تا اینکه در زمستان سال ۱۳۷۶ به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. حالا باید از تمام تجربیات سال‌های گذشته خود جهت پیشبرد اهداف و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای کشور بهره‌برداری می‌نمود. تقویت نفوذ منطقه‌ای ایران، پاک‌سازی منطقه از نیروهای بیگانه و مرتجع، صیانت از حرم آل‌الله علیهم‌السلام بسط ایدئولوژی استکبارستیزی منبعث از گفتمان انقلاب اسلامی ایران، تأمین امنیت کشور، ملت‌های ستمدیده و محور مقاومت از جمله اهدافی بود که وی را در راه رسیدن به آنها تا هنگام شهادت لحظه‌ای آرام نگذاشت.

تعابیر رهبر معظم انقلاب در خصوص سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی

عبارات ذیل بخشی از کلیدواژه‌هایی است که آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدارها و پیام‌ها در سنوات گذشته در توصیف قاسم سلیمانی بیان نموده‌اند:

• چهره بین‌المللی مقاومت

• تربیت شده برجسته اسلام و مکتب خمینی علیه‌السلام

قدس بیش از همه در خطر تهدید اقدامات تلافی جویانه خواهند بود. ایالات متحده در اولین گام، تمامی پایگاه‌های نظامی خود در منطقه از عراق تا افغانستان و عمان و کویت و دیگر کشورها را به حالت آماده‌باش کامل درآورد و رژیم صهیونیستی نیز نیروهای خود را به بالاترین حالت فوق‌العاده درآورد. اقدامات تلافی جویانه جمهوری اسلامی ایران در پیام رهبر معظم انقلاب و پیام‌های رسانه‌ای مسئولان نظام به کرات مشاهده شد. این مسئله را مسئولان ایالات متحده نیز به خوبی دریافتند تا جایی که (سوزان رایس) مشاور امنیت ملی دولت پیشین ایالات متحده، ترور سرلشکر سلیمانی را اقدامی بسیار خطرناک برای آمریکایی‌ها قلمداد نمود و تصریحاً انتقام ایرانیان را بسیار سنگین ارزیابی کرد و معتقد است: (ایالات متحده هر کاری کند باز هم برای مقابله با انتقام سخت ایران کافی نخواهد بود. ایران می‌تواند به شکل بسیار قابل توجهی انتقام بگیرد. آن‌ها می‌توانند در عراق بدون هیچ‌گونه محدودیتی انتقام بگیرند یا در گستره‌ای وسیع‌تر در سوریه، لبنان یا احتمالاً علیه اسرائیل، در سراسر خلیج فارس نیز ده‌ها هزار نیروی آمریکایی، دیپلمات، تأسیسات تجاری و مدنی داریم که پس از این ترور، هیچ‌یک در امان نخواهد بود).

بامداد چهارشنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸، نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پاسخ به ترور سردار قاسم سلیمانی، پایگاه عین‌الاسد عراق را هدف حمله موشکی قرار داد. عین‌الاسد در ۱۰۸ کیلومتری غرب الرمادی قرار دارد. در سال ۲۰۰۳م، تفنگداران آمریکایی این پایگاه را اشغال کردند و تا سال ۲۰۱۱م در آن باقی ماندند. عین‌الاسد دومین پایگاه هوایی بزرگ عراق است. آمریکایی‌ها در سال ۲۰۱۴م، به بهانه مبارزه با داعش، بار دیگر این پایگاه را اشغال کردند. عین‌الاسد از مهم‌ترین پایگاه‌های آمریکا در عراق است که طبق اعلام ارتش عراق در حمله موشکی ایران ۱۷ موشک به آن اصابت کرده و مقرر عملیات مرکزی، سامانه‌های ارتباطی، سامانه پهبادی و زیرساخت‌های مهم اطلاعاتی و جنگ الکترونیک این پایگاه با خسارت‌های فراوانی روبه‌رو شد. در همان زمان گزارش‌هایی نیز حاکی از آن بود که پایگاه اربیل نیز که جدیدترین سامانه‌های جاسوسی آمریکا در منطقه را در خود جای داده و مرکز فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا به شمار می‌رود نیز هدف دست‌کم پنج موشک قرارگرفته بودند. موشک‌باران پایگاه عین‌الاسد ساعاتی پیش از



سخنرانی زنده مقام معظم رهبری و سکوت معنادار مقامات آمریکایی بعد از تهدید اولیه و گستاخانه مبنی بر حمله به ۵۲ مراکز فرهنگی ایران از سوی دولت ترامپ باعث شد تا تحولات منطقه شکل نوینی به خود بگیرد.

مهم‌ترین تحولی که موشک‌باران عین‌الاسد برای جمهوری اسلامی به ارمغان آورد، افزایش سطح بازدارندگی ایران در مواجهه با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. اگر زدن هواپیمای گلوبال هاک در خرداد ۱۳۹۸ را به‌عنوان مقدمه‌ای برای تثبیت مرحله بازدارندگی برشماریم، موشک‌باران پایگاه ایالات متحده در عین‌الاسد را می‌توانیم به‌عنوان نقطه پایان اثرگذاری ادبیات تهدید قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آینده برشماریم. در همین راستا فردریک پلینجن خبرنگار شبکه سی‌ان‌ان در تهران پس از سخنرانی ترامپ پیرامون این حمله گفت: «ایرانی‌ها با این حمله موشکی نشان دادند که توان پاسخ دادن به آمریکا را دارند... ایرانی‌ها همچنین نشان دادند که تسلیحات بسیار پیشرفته‌ای ساخته‌اند که می‌توانند با آن اهدافی در خارج از کشور را هدف قرار دهند». نقطه اوج موفقیت بازدارندگی این حمله در سخنرانی ترامپ به‌وضوح درک می‌شود، او پس از حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد، تهران را به همکاری در مقابله با داعش فراخواند. او گفت: «بغدادی یک هیولا بود و سعی می‌کرد خلافت داعش رو بازسازی کند؛ اما نتوانست. داعش یک دشمن طبیعی ایران است و از بین رفتن آن برای ایران خوب است و ما باید در این موضوع و اولویت مشترک دیگر کار کنیم. آمریکا آماده است تا صلح را در آغوش بگیرد».

در تحلیل نظامی این اقدام از سوی ایران نیز می‌توان به سخنان وید اشمرلر کارشناس مؤسسه جیمز مارتین سنتر اشاره کرد که گفت: موشک‌های ایران دقیق‌تر از آنچه تصور می‌شود بوده است. بنیاد بررسی‌های جهانی میدلبری به‌عنوان یک نشریه معتبر نظامی نیز تصاویر ماهواره‌ای از آشیانه‌های هواپیما که توسط موشک‌های ایران تخریب شده منتشر کرد. روزنامه وال استریت ژورنال نیز نوشت که حمله ایران به پایگاه‌های آمریکا در عراق... یک زرادخانه موشکی را معرفی کرد که با کمال بلوغ، همراه با دقت و دارای قابلیت تهدید و بازدارندگی در برابر دشمنان منطقه‌ای ایران است.

از منظر اقتصادی نیز حمله به عین‌الاسد، ضامن افزایش امنیت اقتصاد ایران بود.

نفتکش‌های ایرانی بعد از این حمله با پرچم جمهوری اسلامی ایران در دریای کارائیب از جلوی ناوهای جنگی آمریکا رد شدند و محموله‌های بنزین خود را به ونزوئلا رساندند و این کشور نیز نتوانست هیچ مزاحمتی برای محموله‌های صادراتی ایران ایجاد کند. این موضوع در منطقه نیز باعث افزایش قدرت تأثیرگذاری ایران شد. عدم پاسخگویی مقامات آمریکایی به این حمله باعث تضعیف اثرگذاری آمریکا در میان کشورهای متحد خود شد. متحدین آمریکا نسبت به آینده روابط خود با واشنگتن دچار شک و تردید شدند و این به معنای کاهش قدرت و نفوذ آمریکا در منطقه است. در واقع آنچه در صحنه بین‌المللی و محیط سیاسی منطقه در حال شکل‌گیری است می‌تواند به‌عنوان مقدمه انتقام سخت ایران مطرح شود که با موشک‌باران عین‌الاسد آغاز شده و با اخراج آمریکا از منطقه به نهایت خود خواهد رسید.

ب) نفی سیاست‌های مبتنی بر ادامه مذاکره با ایالات متحده

پیش‌تر، رهبر معظم انقلاب اسلامی مکرراً با تأکید بر عدم صداقت آمریکایی‌ها به‌ویژه شخص ترامپ، امکان هرگونه سازش و تفاهم با ترامپ را مردود تلقی می‌کردند. چنین سیاست‌هایی از سوی رهبر انقلاب اسلامی، بعضاً میان نیروهای لیبرال داخلی که گفتمان غالب آنان گفتگو، تفاهم و نیل به یک پیمان دائمی با آمریکا و غرب بود، خوشایند نمی‌آمد. وقوع ترور سرلشگر سلیمانی، هرگونه ادامه و شکل‌گیری طیف نوینی از مذاکرات میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران را حداقل در آینده‌ای نزدیک علناً غیرممکن نموده است. شهید سلیمانی هیچ‌گاه مخالف اصل مذاکره نبودند ولی همیشه نسبت به نیت شوم آمریکایی‌ها هشدار می‌دادند در همین زمینه معاون اسبق وزیر خارجه، حسین امیر عبداللهمیان می‌گوید: (سردار سلیمانی از دیپلماسی به بهترین وجه خودش استفاده می‌کرد و به همه ظرفیت‌های موجود توجه داشت. ما در سال ۱۳۸۶ که برای مذاکرات سه‌جانبه ایران، عراق و آمریکا به بغداد می‌رفتیم، مدیریت این مذاکرات در بعد نرم‌افزاری در اختیار سردار سلیمانی بود، سردار مأموریت تأمین امنیت حداکثری ایران و کمک به امنیت عراق را داشت ولی وقتی بنا شد به درخواست دوستان عراقی مذاکره سه‌جانبه‌ای با آمریکا داشته باشیم، سردار سلیمانی نه تنها مخالف مذاکره نبود بلکه در مذاکره به ظرایف امر توجه داشت. یکی از ظرایف این بود که همیشه می‌گفت با دشمن مذاکره می‌کنید و دشمن به

دنبال این نیست که منافع ما را تأمین کند اما برای اتمام حجت بگذارید دوستان عراقی ما هم رفتار آمریکایی‌ها را در میز مذاکره ببینند).

ج) مسئله فلسطین

امروز مسئله فلسطین جزء مسائل درجه اول منطقه بلکه مسئله اول دنیای اسلام است که جمهوری اسلامی ایران نقش به‌سزایی در مدیریت آن دارد. سایر ملت‌های منطقه نیز با فلسطین همراه بوده اما برخی دولت‌ها به دلیل عدم پشتوانه مردمی مجبور هستند که برای حفظ حکومت خود به‌واسطه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی در پی جلب رضایت آمریکا برآیند تا شاید از این طریق حکومت خود را حفظ نمایند؛ برای مثال می‌توان به اجلاس بحرین که به دستور آمریکا در این کشور برگزار گردید اشاره نمود. با این‌وجود تا قبل از شهادت سردار سلیمانی هیچ‌یک از کشورهای منطقه روابط خود با رژیم اشغالگر قدس را علنی و آشکار نکرده بودند اما بعد از شهادت این سردار بزرگ، امارات و بحرین با میانجی‌گری آمریکا و تمکین از درخواست واشنگتن، با پشت کردن به آرمان فلسطین روابط خود را با رژیم صهیونیستی برقرار کردند. در پی این دو کشور سودان نیز به بهانه خروج از لیست کشورهای حامی تروریسم آمریکا، به صف کشورهای سازش‌کار پیوست و با تل‌آویو روابط عادی برقرار نمود. آخرین کشوری که با وعده‌های واشنگتن حاضر به عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی شده مغرب است که این اقدام دولت رباط با موجی از مخالفت در داخل این کشور مواجه شده است.

توافق بحرین و اسرائیل برای عادی‌سازی روابط دیپلماتیک همچون سایر موارد مشابه با واکنش متفاوت دو گروه مشخص از کشورهای اسلامی مواجه شد، از یک‌سو ایران و ترکیه اقدام بحرین را نکوهش کردند و از سوی دیگر عمان، مصر، اردن و امارات متحده عربی از این اقدام حمایت کردند. البته همان‌طور که ذکر شد اشتیاق و ارتباط برخی کشورهای منطقه در برقراری ارتباط با اسرائیل محدود به یکسال اخیر نیست. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در سال ۲۰۱۸م به عمان سفر کرد و با استقبال سلطان قابوس، رهبر سابق عمان قرار گرفت. این مطلب که عادی‌سازی روابط این کشورها با رژیم صهیونیستی تا چه میزان به شهادت سردار سلیمانی مربوط می‌شود، از نگاه تحلیل‌گران مغفول مانده است اما پس از شهادت سردار سلیمانی، مقامات فلسطینی در سخنرانی‌های مختلف به



نقش و حضور سردار سلیمانی در غزه و جنگ ۲۲ روزه اشاره کردند. چیزی که پیش از شهادت وی در خصوص آن سخن گفته نشده بود.

اسامه حمدان عضو ارشد جنبش مقاومت اسلامی حماس با اشاره به نقش شهید سلیمانی در حمایت از مقاومت فلسطین در جنگ ۲۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه غزه، گفت: «شهید سلیمانی در جریان این نبرد لحظه به لحظه با مقاومت فلسطین همراه بود». احمد عبدالهادی عضو دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی و نماینده جنبش حماس در لبنان نیز گفت: «سلیمانی بارها به غزه سفر کرد و در نقشه دفاعی و طراحی و ترسیم آن از همان لحظه اول شرکت داشت این یک راز نیست و دشمن همه این‌ها را می‌داند، اما آنچه را که نمی‌داند بسیار بیشتر از آن چیزهایی است که می‌داند». اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس نیز در مراسم تشییع پیکر سردار شهید سلیمانی و هم‌زمانش در تهران اظهار داشت: «فرمانده شهید سلیمانی همه زندگی خود را در حمایت و پشتیبانی از فلسطین گذاشت و اعلام می‌کنم این فرمانده بزرگ شهید قدس است». زیادالخاله دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین در این رابطه گفت: «قدرت و امکاناتی که امروز غزه به آن دست یافته است، نتیجه تلاش‌های بزرگ شهید سلیمانی است گام راهبردی سردار سلیمانی با ارسال موشک‌ها و سلاح‌ها به نوار غزه آغاز شد و این مسئله شبیه یک معجزه بود و از نظر فنی و امنیتی و امکان‌پذیر بودن بسیار سخت بود، اما انجام شد سردار سلیمانی شخصاً در این مسیر تلاش کرد و به کشورهای متعدد سفر کرد و برای رساندن این سلاح‌ها برنامه‌ریزی و مقدمه چینی کرد و واقعاً این سلاح‌ها به غزه رسید. سلاح‌هایی که سردار سلیمانی به نوار غزه رساند، با همان موشک‌ها راه برای مباران تل‌آویو باز شد». به گفته حمدان بخشی از این موشک‌ها از سوریه به فلسطین منتقل شد. وی سخنان چندی پیش دبیرکل حزب‌الله لبنان در خصوص ارسال موشک‌های کورنت از سوریه به حزب‌الله و حماس با وساطت شهید سلیمانی را تأیید کرد و گفت: «شهید سلیمانی تصمیم گرفت موشک‌های کورنت به نوارغزه فرستاده شوند و این اتفاق هم افتاد». او همچنین عنوان کرد که انتقال موشک‌های مدرن بخشی از کار مقاومت در غزه بود و آن‌ها با حضور سردار سلیمانی توانستند از لحاظ کیفی تغییرات عمده‌ای در موشک‌ها به وجود آورند و توانستند چند کارخانه تولید موشک در غزه تأسیس کنند حمدان خاطرنشان کرد: «برخی از گروه‌های فلسطینی در غزه هزاران موشک در اختیار دارند که آماده شلیک به سوی کل مناطق صهیونیست‌نشین هستند اینکه



در درگیری‌های اخیر که چند روز بیشتر طول نکشید شاهد بودیم اسرائیلی‌ها دست به دامان قاهره شدند تا توافق صلح به دست آید، ناشی از مقاومت موشکی این گروه‌ها و نیز اطلاع تل‌آویو از قابلیت مقاومت فلسطین برای حمله موشکی بود». یکی دیگر از اقدامات شهید سلیمانی در جنگ ۲۲ روزه ساخت تونل بود. احمد عبدالهادی عضو دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی و نماینده جنبش حماس در لبنان گفت: «اندیشه احداث تونل در زیرزمین در غزه که امروز بیش از ۳۶۰ کیلومتر در آن تونل احداث شده است و آنان (صهیونیست‌ها) این را به‌خوبی می‌فهمند و همین کافی است از طرف ۲ نفر یکی فرمانده شهید یعنی عماد مغنیه و دوم حاج قاسم سلیمانی مطرح شد».

نیس نقاش نیز در خصوص نقش سردار سلیمانی در شکست محاصره غزه گفته است: «وقتی که حزب‌الله تلاش کرد که در جنگ ۲۲ روزه از مصر- بخواهد که اجازه دهد زخمی‌های جنگ را از غزه برای مداوا از آنجا خارج کند و حسنی مبارک اجازه نداد. با تدبیر حاج عماد مغنیه و حاج قاسم اتفاق عجیبی رخ داد که نه‌تنها مجروحان را از آنجا خارج کردیم، بلکه سلاح به دست اهالی غزه رساندیم. به‌این‌ترتیب که حاج قاسم گفت «مگر مردم دارو و غذا نمی‌خواهند، مگر مجاهدان سلاح نمی‌خواهند پس چرا نشسته‌اند؟ کافی است به سمت مرزهای العریش مصر هجوم بیاورند و از مرز بگذرند، هم‌غذا و دارو آنجا هست هم سلاح آماده کرده‌ایم؛ هجوم بیاورند.» فلسطینی‌ها هم این کار را کردند بدون آنکه متوجه شوند از کجا دستور می‌گیرند، هجوم آوردند، از مرز گذشتند و مایحتاج و سلاح خود را دریافت کردند و برگشتند و مقاومت کردند و در جنگ پیروز شدند. این تدبیر حاج قاسم بود». بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند با توجه به اینکه سردار قآنی در تمام این سال‌ها همراه سرلشگر سلیمانی بوده است پس می‌تواند ادامه‌دهنده راه ایشان در قضیه فلسطین باشد علی‌الخصوص که در انجام بسیاری از اقدامات شهید سلیمانی طی سال‌های گذشته سردار قآنی نیز حضور داشته و تمامی گروه‌های فلسطینی شناخت خوبی از ایشان دارند.

د) ترویج گفتمان مقاومت

چهارمین پیامد ترور سرلشگر سلیمانی را می‌توان به ترویج هر چه بیشتر گفتمان مقاومت در میان نیروهای داخلی و سطح منطقه دانست؛ کما اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی پس از شهادت سرلشگر سلیمانی ضمن محکومیت شدید اقدامات تروریستی

آمریکایی‌ها ابراز داشتند که اقدامات استکبارستیزانه جبهه مقاومت با قدرتی بیش از گذشته ادامه خواهد یافت. از طرفی، خشم و انزجار جامعه ایران و ملت‌های منطقه از این اقدام تروریستی ترامپ، به نظر طیف فعالیت‌های نیروهای مقاومت را شدت بیشتری خواهد داد. لذا این جمله ترامپ که: «کشتن «شهادت» سلیمانی را به این دلیل انجام دادیم تا مانع از فعالیت آنان در منطقه گردیم»، در عمل بازخوردی معکوس خواهد داد و بسترساز مهمی برای بسط مرجعیت گفتمان و استکبارستیزی خواهد گردید.

هـ) زمینه‌سازی خروج آمریکا از عراق

این مسئله را می‌توان مبتنی بر دو اصل دانست. اصل نخست احساس خطر فزاینده نیروهای آمریکایی از اقدامات تلافی‌جویانه نیروهای محور مقاومت بود که باعث شد آن‌ها در کمترین زمان ممکن به خروج از عراق مبادرت نمایند. از طرفی سید کاظم حائری، یکی از مراجع تقلید در عراق از تمامی نیروهای مسلح و شاخه‌های نظامی حشد و عشایر عراق خواست برای اخراج اشغالگران از عراق آماده باشند و با اعلان فتوایی، حضور نیروهای آمریکایی در خاک عراق را حرام اعلام کرد (باقی نگاهداشتن نیروهای آمریکایی و متحدان آن حرام است و باید برای حفظ خاک کشور و حرمت آن، اقدام جدی انجام داد).

و) ناامنی حضور نیروهای آمریکایی در منطقه

به جز عراق، تمامی پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در منطقه نیز در خطر فزاینده تهدیدات بالقوه نیروهای جبهه مقاومت خواهند بود. این مسئله را محمدالحوثی، رئیس کمیته عالی انقلاب یمن اعلام داشت و افزود: (ما این ترور را محکوم می‌کنیم و واکنش سریع و مستقیم به پایگاه‌های پراکنده آمریکا تنها گزینه و راه حل است). به‌طور کلی آمریکا هفت پایگاه نظامی در حوزه خلیج فارس دارد که شامل پایگاه هوایی العدید قطر، پایگاه تومریت عمان، پایگاه ناوگان پنجم بحرین، پایگاه هوایی احمدالجابر کویت، پایگاه هوایی الظفره امارات است. افزون بر این هفت پایگاه، پایگاه‌های بگرام در افغانستان و ملونیر در جیبوتی هم در فاصله‌ای نه‌چندان دور از منطقه خلیج فارس از پایگاه‌های عمده آمریکا محسوب می‌شوند (ر.ک: اشفورد، ۲۰۱۸م، ۱۳۲-۱۳۴). در حال حاضر فضای بسیار سنگینی بر این پایگاه‌ها حاکم است به طوری که تمامی پایگاه‌های آمریکا در سالگرد شهید سلیمانی در آماده‌باش کامل به سر می‌بردند. رسانه‌های آمریکایی در گزارش‌های خود تأکید کردند فرماندهی

مرکزی آمریکا برای بررسی سناریوهای پاسخ احتمالی ایران به ترور سرلشگر سلیمانی در کاخ سفید تشکیل جلسه داده است. هم‌زمان با این نشست دستگاه‌های اطلاعاتی خبرهایی درباره وجود طرح انتقام‌جویانه ایران برای این ترور خبرهایی به بیرون درز دادند. آمریکا جنگنده‌های «B52» و یک زیردریایی اتمی را به منطقه اعزام کرد، دولت اشغالگر اسرائیل نیز یک زیردریایی اتمی از طریق کانال سوئز اعزام کرد، آمریکا وضعیت اضطراری در پایگاه‌های خود در خلیج فارس اعلام کرد و مأموریت ناو هواپیمابر «یواس نیمیتز» را در منطقه تهدید کرد.

ز) افزایش ضریب نفوذ گفتمان انقلابی و استکبارستیزی در منطقه غرب آسیا

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و دغدغه‌های سران ایالات متحده، افزایش حوزه نفوذ اندیشه‌های انقلابی ایران و توسعه ایده استکبارستیزی در میان کشورهای منطقه بوده است. ایران که در زمان پهلوی دوم، با حمایت‌های بی‌شائبه آمریکایی‌ها به‌ویژه جمهوری خواهان نقش (ژاندارم منطقه) و حامی و حافظ منافع ایالات متحده به شمار می‌رفت، با وقوع انقلاب اسلامی و با چرخش پارادایمی کامل به دشمن ایالات متحده و به بزرگ‌ترین تهدید منافع کشور مبدل گردید (ر.ک: وایز، ۲۰۰۷م، ۳۴-۳۵). با ظهور گروهک تروریستی تکفیری داعش که بعدها در مناظرات انتخاباتی ایالات متحده در سال ۲۰۱۴م مشخص گردید، ساخته‌وپرداخته خود آمریکایی‌ها بوده است، جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به درخواست کشورهای عراق و سوریه و با اعزام نیروهای نظامی و فرماندهان مستشاری، به‌نوعی الگوی سازمان بسیج را در این کشورها پیاده‌سازی نمود و در ادامه به دستاوردهای بزرگی نائل گردید (علیشاهی، ۲۰۱۹م، ص ۴). به دیگر سخن، ظهور و قوام تروریست‌هایی که برای براندازی و سقوط جبهه‌های مقاومت شیعه در منطقه همچون عراق و لبنان و در ادامه جمهوری اسلامی ایران طراحی گردیده بود در ادامه به شکل‌گیری و قوام روزافزون وحدت شیعیان در منطقه منتهی گردید. الگوی مقاومتی که در ادامه به انصارالله یمن نیز کشیده شد (علیشاهی، حسینپور و سلیمانی، ۲۰۱۹م، ص ۲۹). در این میان، سرلشگر سلیمانی یکی از مهم‌ترین دلایل ترویج و توسعه گفتمان مقاومت و استکبارستیزی در برابر آمریکا و تروریسم داعش بوده است. تا جایی که حضور و حمایت‌های نظامی و مستشاری وی از

کشورهای جنگ‌زده سوریه، عراق و حتی اقلیم کردستان عراق از یک‌سو و تشکیل و ساماندهی سازمان بسیج مردمی در عراق با عنوان حشدالشعبی از سوی دیگر، به الگوی فراگیر در میان کشورهای منطقه مبدل گردید. بنابراین، دغدغه ایالات متحده به فراگیر شدن گفتمان انقلاب اسلامی از سوی سرلشکر سلیمانی به سرعت در منطقه در حال فراگیر شدن است. به عقیده نویسندگان، با شهادت وی، الگوی مقاومت و استکبارستیزی در منطقه متوقف نخواهد شد چراکه ساختارهای مبتنی بر مبارزه جبهه مقاومت با تروریست‌ها و نیروهای آمریکایی در خلال سال‌های گذشته نهادینه شده است و این نهادینگی به نظر می‌رسد در ادامه با قدرت بیشتری به فعالیت‌های خود ادامه خواهد داد. روزنامه «اکسپرس» فرانسه در رابطه با «نقش کلیدی و مرکزی ایران در منطقه غرب آسیا» می‌نویسد: (تحلیل‌گران اروپایی معتقدند که به‌زودی شاهد قدرت‌نمایی ایران در سراسر منطقه غرب آسیا خواهیم بود. آن‌ها به‌هیچ‌وجه بعید نمی‌دانند که در آینده‌ای نزدیک، ایدئولوژی ایرانی به یکی از بارزترین ایدئولوژی‌های خریدار منطقه‌ای تبدیل شود و ایران صاحب جایگاهی بالا و پرنفوذ و تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا شود. برای همین، آن‌ها توصیه می‌کنند که باید خود را برای ایرانی قدرتمند در منطقه غرب آسیا، آماده کنیم).

نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات مهم موردبحث در محافل سیاسی جمهوری اسلامی ایران از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون مسئله رابطه با آمریکا بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران همواره فضایی از مخالفت، دشمنی، نفی، دگرسازی و خشونت واژه‌ای بر روابط ایران و آمریکا حاکم بوده است. واقعیت این است که رابطه ایران و آمریکا کلاف سردرگمی است که این دو کشور تنها بازیگران آن نیستند، بلکه بازیگران دیگری که از این رهگذر سود می‌برند در فرایند این روابط تأثیرگذار هستند. در واقع دو کشوری که روزی متحد استراتژیک لقب گرفته بودند امروز به دشمنان یکدیگر مبدل شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران، بارها هژمونی آمریکا را در غرب آسیا به چالش کشیده است و همواره تلاش می‌کند دامنه و گستره نفوذ آمریکا را محدود سازد. در واقع ایران حضور آمریکا را در منطقه همواره یک چالش امنیتی تعریف می‌کند و نه زمینه‌ساز و بسترساز نظام امنیت منطقه‌ای.

ایران به واسطه همسایگی با عراق و افغانستان و روابط نزدیک با سوریه و لبنان بازیگری تأثیرگذار در معادلات منطقه غرب آسیا و خلیج فارس به حساب می‌آید و واشنگتن بدون در نظر گرفتن منافع ایران نخواهد توانست اهداف خود را در منطقه به پیش ببرد. پس از ظهور داعش، جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به حمایت از متحدین استراتژیک خود یعنی عراق و سوریه مبادرت نمود. حمایتی که در ادامه بستر ساز ائتلاف عمیق شیعیان گردید و به زوال داعش منتهی شد. این مسئله را باید در کنار شکل‌گیری نیروهای نظامی حشدالشعبی در عراق و حزب الله سوریه دستاورد بزرگی برای ایران قلمداد نمود چراکه ماهیت این گروه‌های نظامی همان ضدیت با سیاست‌های ایالات متحده است. آمریکا به همین سبب، پس از افول داعش، عراق و سوریه را به‌نوعی از دست‌رفته قلمداد نمود و تحلیل اصلی این کشور نیز مبتنی بر نفوذ وسیع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این کشورها و برخی دیگر از کشورهای غرب آسیا همچون یمن و افغانستان بوده است. به همین سبب، ترامپ ضمن قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ذیل گروه‌های بین‌المللی تروریستی در نهایت به ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس مبادرت نمود تا بیش‌ازپیش منافع خود را در این کشورها از دست‌رفته نبیند. اقدامی که دشمنی میان دو کشور را به اوج خود رساند. تلاش رهبران مقاومت اسلامی به‌ویژه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در سال‌های گذشته در راستای انسجام کشورهای منطقه به‌ویژه شکست سیاست‌های ناامن‌سازی توسط داعش و استقلال منابع نفتی کشورهای منطقه غرب آسیا از داعش، در تضاد با منافع آمریکا در منطقه بوده است. این ترور پیامدهایی را هم بر روابط دو کشور و هم بر معادلات منطقه‌ای ایجاد نموده است که از آن جمله می‌توان به نفی سیاست‌های مبتنی بر ادامه مذاکره با ایالات متحده، مسئله فلسطین، ترویج گفتمان مقاومت در منطقه، خروج ایالات متحده از عراق و به‌تبع آن از منطقه، ناامنی حضور نیروهای آمریکایی در منطقه و افزایش ضریب نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی و استکبارستیزی در منطقه غرب آسیا ذکر نمود. تأثیرات و پیامدهای این ترور ابعاد وسیعی داشته و روزبه‌روز بر حجم آن افزوده می‌شود.

فهرست منابع

۱. رضوی، سید عبدالله و محمد نصر اصفهانی، «تنش‌های سیاسی غرب آسیا و بازار جهانی نفت - مطالعه موردی: ترور سردار سپهبد قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸، ص ۳۵-۷۱.
۲. علیاری تبریزی، بهاء‌الدین، «قتل هدفمند در آیین اصول و مبانی حقوق بین‌الملل - با تأکید بر قتل‌های هدفمند رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده آمریکا به‌ویژه قتل هدفمند سپهبد شهید قاسم سلیمانی»، پژوهشنامه حقوق بشری، سال پنجم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۳-۴۴.
۳. فروزان، یونس و عبدالرضا عالیشاهی، «تشدید تقابل‌گرایی ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران در پسانا آرامی‌های غرب آسیا؛ پیامدهای ترور سرلشگر قاسم سلیمانی»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۵۱-۱۸۰.
۴. کریمی ابوالفضل، «نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۰، مرداد ۱۳۹۶، ص ۱-۱۴.
۵. ماهنامه فرهنگی تاریخی یاران شاهد، شماره ۱۷۱، اسفندماه ۱۳۹۸.
۶. پایگاه اطلاع‌رسانی تحولات جهان اسلام، یادداشت، ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۸.
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.
۸. پایگاه اطلاع‌رسانی نشریه Foreign Policy.
۹. خبرگزاری اسپاتنیک، ۹ ژانویه ۲۰۲۰م.
۱۰. خبرگزاری ایسنا، ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸.
۱۱. خبرگزاری بی‌بی‌سی فارسی، ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸.





۱۲. خبرگزاری تسنیم، ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸.
۱۳. خبرگزاری خبرآنلاین، ۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۹.
۱۴. خبرگزاری خبرآنلاین، ۷ دی‌ماه ۱۳۹۹.
۱۵. خبرگزاری مشرق، ۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۸.
16. Alishahi, A. & Forouzan, Y. (2019). An Explanation of Trump's Offensive Strategy towards the Islamic Republic of Iran The Security and Military Roots and Consequences. Scientific Journal of Defense Policy 27 (106), 85-112. [In Persian]
17. Alishahi, A. (2019). The Defensive Paradigm of the Popular Mobilization Forces in Iraq and the Degeneration of Divergent Politics. Journal of Advertising and Public Relations 2(2): 1-8.
18. Alishahi, A.; HosseinPour, Z., & Soleimani Souchelmaei, H. (2019). The Impact of Different Ethnicities in the Realization of Political Federalism in Iraq, from Post Saddam to 2018. Journal of Cultural and Social Anthropology 1(3): 23-36.
19. Aust, A. (2010). Handbook of International Law. Cambridge: Cambridge University Press.
20. Wise, H. (2007). Inside the Danger Zone: The U.S. Military in the Persian Gulf 1987-88. Annapolis: MD: Naval Institute Press.
21. Zarate, J. (2013). Treasury's War: The Unleashing of a New Era of Financial Warfare. New York: Public Affairs.